

## قرآن و اسلام رحمانی

عنوان «اسلام رحمانی» که حداقل از دو دهه پیش، گویا توسط دکتر محسن کدیور، در واکنشی به اسلام دولتی متکی بر زر و زور و تزویر مطرح گردید، بیش از چهار دهه است با تداوم و تقدس چپ گرایانه انقلاب و تداوم خشم و خشونت و تنگ نظری بر کشورمان حاکم است.

عملکرد گروه‌های القاعده، طالبان، داعش و امثال آنان در سایر کشورهای اسلامی نیز که ظاهراً از اسلام انتقام محور انقلاب ایران الگو گرفتند، ضرورت رویکرد جدی‌تر به اسلام رحمانی و تبیین تئوریک آن را از ابعاد مختلف نشان می‌دهد. نوشته مختصر زیر پژوهشی است در صفت «رحمن» در متن شریعت و کاربرد «رحمانیت» در ارتباط با مخالفان، غیر مسلمانان و دشمنان.

### جایگاه رحمانیت در قرآن

اگر کتاب فردوسی شاهنامه است، قرآن را می‌توان «خدای نامه» نامید که بیشترین کلمه آن با ۲۶۹۶ بار تکرار «الله» (یکتا معبود) می‌باشد. جمله «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» که حاوی مهمترین نام «الله» می‌باشد، به تعداد سوره‌های قرآن تکرار شده و هر سوره جلوه‌ای از نام‌های او را نشان می‌دهد و «الرَّحْمَنُ» اولین و شاید مهم ترین صفتی باشد که برای «الله» تعریف شده است.

«الرَّحْمَنُ» اشاره به رحمت عام و گسترده خدا دارد که شامل همه چیز می‌شود؛ از جماد و گیاه و حیوان گرفته، تا انسان و فرشتگان (اعراف ۱۵۶ و غافر ۷). اما «الرَّحِيمُ» رحمت ویژه خدا بر انسان است، انسانی که به سوی آفریدگارش روی می‌آورد (نساء ۲۹، اسراء ۶۶، یاسین ۵۸، احزاب ۴۳). در مثال، «الرَّحْمَنُ» همچون خورشید رحمت است که بر همه زمین می‌تابد و نور و گرما می‌بخشد، همانطور که دریا چون استعداد جذب نور و گرمای بیشتری از سنگ و کوه دارد، بیشتر جذب می‌کند (الرَّحِيمُ)، آدمیان نیز می‌توانند سنگدل یا دریادل باشند!

به همین دلیل نام رحیم، که با رویکرد انسان به خدا جلوه می‌کند، همواره (به غیر از ۴ مورد) به صورت مزدوج در ترکیب با صفات دیگری آمده است، مثل؛ غفور رحیم (۷۳ مورد ۶۴٪)، پس از آن: عزیز الرحیم، تواب رحیم، رحیم ودود، رؤف رحیم، رب رحیم، برّ رحیم.

مهمترین صفتِ الله، «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»، یعنی رحمت عام و خاص اوست، خدا را باید در سه جلوه شناخت و به او پناه برد؛ ۱- ربوبیت (مدیریت و سرپرستی)، ۲- ملوکیت (پادشاهی و فرماندهی)، ۳- الوهیت (عشق و پرستش)، آن‌گونه که اولین سوره قرآن (حمد)، که جنبه فهرست و خلاصه دارد، در همان آغاز سخن از الوهیت، ربوبیت و ملوکیت به میان آمده، و هم در آخرین سوره قرآن، که جمع بندی و آخرین پیام دارد، به این مثلث اشاره شده است: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ».

در مورد «الوهیت» (عشق و پرستش)، نشان دادیم که مهمترین صفتِ «الله»، «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» است، یعنی معبود بی‌نهایت مهربان و خیررسان به عام و خاص. مهمترین صفت «رَبِّ» نیز «الرَّحْمَنُ» است، یعنی ارباب و صاحب اختیار جهان و انسان (رب العالمین)، برخلاف اربابان استثمارگر و ثروت اندوز دنیایی، مدیریتش برای رحمت رسانی به خلق می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

اونه تنها «الرَّحْمَنُ»، بلکه «الرَّحْمُ الرَّحِيمِ» است! گویا این مقام را پیامبران درک کرده بودند که تنها از زبان آنان در قرآن ذکر شده است؛ موسی، ایوب، یعقوب و یوسف (اعراف ۱۵۱، انبیاء ۸۳، یعقوب ۶۴ و یوسف ۹۲).

پیامبر اسلام نیز نماد رحمت الهی برای بشریت بود.<sup>(۲)</sup>

قرآن هم از سرچشمه رحمت عام و خاص خدا «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» نازل شده است.<sup>(۳)</sup>

فرشتگان هم «عِبَادُ الرَّحْمَنِ» اند که شفاعتشان به «الرَّحْمَنِ» نسبت داده شده است.<sup>(۴)</sup>

جلوه دیگر «الله»، مَلک بودن، یعنی پادشاهی و فرماندهی اوست که آن نیز پیوندی با رحمت دارد. اما چون پادشاه و فرمانروا مجبور است در برابر متجاوزین بجنگد، در ۵ موردی که نام ملک در باره خدا به کار رفته، به جای نام «رحمن» آثار رحمانیت را که: قداست، سلامت، امنیت، محافظت، عزت، کرامت، حکمت، حقانیت و بزرگی می‌باشد ذکر کرده است.<sup>(۵)</sup>

## اسلام رحمانی در ارتباط با مخالفین و دشمنان

اشارات بدون شرح زیر نمونه‌هایی از جلوه رحمانیت در ارتباط با دگراندیشان در قرآن است:

### آزادی بیان دشمنان انبیاء

انعام ۱۱۲ و ۱۱۳ - و ما بدین‌سان (در مشیت خود) برای هر پیامبری دشمنانی قرار داده‌ایم؛ شیطان صفتانی آشنا و پنهان (منافق) که سخنان (به ظاهر) آراسته فریبنده‌ای را به یکدیگر می‌رسانند، و اگر پروردگارت می‌خواست (آزادی نداده بود) چنین نمی‌کردند، پس آنان و نیز آنچه به دروغ می‌یافتند (محصولات فکریشان) را آزاد بگذار.

«وَكذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ. وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ»

### الگوی عدالت بودن در رفتار با دشمنان

مائده ۸ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همواره ایستاده برای (دفاع از ارزش‌های) خدا، شاهدانی (نمونه و الگوهایی) به عدالت ورزی باشید و مبادا دشمنی با گروهی (از مخالفان)، شما را به ترك عدالت وادارد. عدالت کنید که به تقوا (تسلط بر نفس) نزد یکتا است و از خدا پروا کنید که مسلماً خدا بر آنچه می‌کنید بس آگاه است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»

مائده ۲ - .... و مبادا دشمنی با گروهی که (در گذشته) شما را از مسجدالحرام بازداشتند، (اینکه که مکه را فتح کرده‌اید) به تجاوز (و تلافی) وادارتان کند، و (یکدیگر را) در نیکی و پروا داری (تسلط بر نفس) یاری کنید، نه در گناه و تجاوز

«...وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...»

### ترک موقت مجلس، تنها عکس‌العمل مشروع به کفرگویی و استهزاء آیات خدا

نساء ۱۴۰ - (خطاب به مسلمانان) در این کتاب (این حکم) بر شما نازل شده که اگر (در مجلس و محفلی) شنیدید که آیات خدا مورد انکار و استهزاء قرار می‌گیرد، با آنان منشنید تا به سخنی دیگر درآیند، بی‌گمان در این صورت (با حضور رضایت آمیزتان) مانند آنان محسوب می‌شوید... (ترک موقت تا عوض شدن بحث، مفهوم عدم درگیری، قهر، ترک رابطه و حتی پاسخگویی به زوردارد).

«وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكُتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَعْفُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ...»

انعام ۶۸ - و (خطاب پیامبر) هرگاه دیدی کسانی در (تسخیر) آیات ما فرورفته‌اند، از آنان روی گردان (درگیرم شو) تا به سخنی دیگر فرو روند، و اگر شیطان ترا به فراموشی انداخت، پس از یاد آوردن، با مردم ستمگر منشن.

«وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَعْدُ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

## توصیه به تحمل و تسلط بر نفس در برابر زخم زبان‌های مخالفین.

آل عمران ۱۸۶- بی تردید شما در اموال و نفس خویش آزموده خواهید شد، و بی‌تردید از کسانی که پیش از تحمل کنید و تقوا پیشه سازید (از عکس‌العمل انتقامی خودداری کنید)، پس بی‌گمان این (تسلط بر نفس) نشانه اراده (شما) در کار هاست.

«لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَدَى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»

مائده ۱۳- پیوسته بر خیانتی از آنان (توطئه اهل کتاب علی‌مسلمانان و تحریک مشرکین علیه آنها) آگاه می‌شوی، مگر اندکی از آنان. با این حال از آنها در گذر و به روی خویش می‌پار که مسلماً خدا نیکوکاران را دوست دارد.

«وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»

## آزادی منافقان در مخالفت پنهانی با سخنان رسول هنگام جنگ.

نساء ۸۰ و ۸۱- هرکس از رسول اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده و هرکه روی گرداند، پس (بدان که) ترا نفرستاده‌ایم تا محافظ مردم باشی. و (در حضور تو) اظهار فرمانبرداری (برای مشارکت در جهاد) می‌کنند، با این حال وقتی از نزد تو بیرون می‌آیند، گروهی از آنها خلاف آنچه (از ضرورت همبستگی علیه تجاوز دشمن) می‌گویی، نقشه شبانه (مخفیانه) می‌کشند. و خدا آنچه را شبانه توطئه می‌کنند ثبت می‌کند. پس (با وجود این خیانت‌ها) درگیرشان مشو و به خدا توکل کن که خدا در وکالت (سپردن کارها به مشیت او) کفایت می‌کند.

«وَمَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ لِلَّهِ وَكِيلًا»

## ممنوعیت دشنام به مشرکان

انعام ۱۰۸- و هرگز کسانی (مشرکین) را که غیر از خدا را می‌خوانند دشنام مده، که (در این صورت آنها نیز) از روی نادانی به خدا دشنام خواهند داد! ما این چنین کردار هر قومی را برای آنان خوب جلوه داده‌ایم، سپس بازگشت آنان به سوی پروردگارشان است و او آنان را به آنچه می‌کردند آگاه خواهد ساخت.

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ، كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

## پاسخ صلح و سلامت به سخنان لغو جاهلان

قصص ۵۵- و هر گاه یاهوای بشنوند، (بزرگوارانه) از آن روی برمی‌تابند (درگیر نمی‌شوند) و می‌گویند: اعمال ما برای خودمان و اعمال شما برای خودتان است (بندگان آزاداند و حساب هر کس با خداست)، سلام بر شما (سلامتی و خیرتان را خواهیم) ما در پی جاهلان نیستیم (قصد مشاجره و منازعه نداریم).

«وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ»

فرقان ۶۳- و بندگان (خدای) رحمان (که از پرتو رحمت او مهربانی آموخته‌اند)، آنها را که فروتنانه بر زمین گام می‌نهند (فخر فروشی به عالم و آدم نمی‌کنند) و چون جاهلان (با سخنی سخیف و زشت) خطابشان کنند، پاسخی به سلامت (با مهربانی و مدارا) می‌دهند.

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْنُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»

## پناه دادن به مشرکان و رساندنشان به مکان امن.

توبه ۶- (ای پیامبر) اگر یکی از مشرکین از تو پناه خواست، پس پناهش ده تا سخن خدا را بشنود، سپس او را به مکان امنش برسان، این بدان جهت است که آنها مردمی نا آگاهند.

«وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»

## دعوت یهودیان و مسیحیان به وحدت حول محورهای مشترک

آل عمران ۶۴ - بگو: ای اهل کتاب (از لجاجت و جدایی و جفا) به حقیقت مشترکی میان ما و خودتان (برای تفاهم و تقریب) فرا آید (که) جز خدا بندگی نکنیم و هیچ چیزی با او شریک نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا ارباب (صاحب اختیار) نگیریم. پس اگر (به این پیشنهادات وحدت‌بخش) پشت کردند، بگوئید: شاهد باشید که ما (به حکم خدا در پیوند توحیدی با شما) تسلیم شده‌ایم.

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»

بقره ۱۳۶ - (به اهل کتاب) بگوئید: ما به خدا، به آنچه بر ما و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (۱۲ تیره بنی‌اسرائیل) نازل شده، و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به (سایر) پیامبران از سوی پروردگارشان فرستاده شده، ایمان آورده‌ایم، ما میان هیچیک از آنان فرق نمی‌گذاریم و (تنها) تسلیم او (خدا) هستیم.

«قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»

شوری ۱۵- ... و (با تکیه بر مشترکات) بگو: من به همه کتاب‌هایی که خدا نازل کرده ایمان دارم و فرمان یافته‌ام میان شما به عدالت رفتار کنم؛ خدا پروردگار ما و پروردگار شماست، اعمال ما برای ما و اعمال شما برای شما است، جدالی (برای برتری طلبی) میان ما و شما نیست، خدا همه ما را (در رستخیز برای داوری) گرد خواهد آورد و سرانجام (همه امور) به سوی اوست.

«... وَقُلْ آمَنَّا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ»

## احترام و اعتبار قائل شدن برای تورات و انجیل و علمای دینی آنان

مائده ۶۶- اگر آنها تورات و انجیل و آنچه را که از جانب پروردگارشان بر آنها نازل شده به پا می‌داشتند، از بالا و زیر پاهایشان (آسمان و زمین، روزی) می‌خورند.

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ»

مائده ۶۸- بگو: ای اهل کتاب! شما بر هیچ (حقانیتی استوار) نیستید، مگر تورات و انجیل و آنچه (قرآن) را که از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده به پا دارید (عمل کنید).

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ...»

مائده ۸۲- و بی‌شک از آنان (اهل کتاب) کسانی را در دوستی نسبت به مؤمنین، نزدیک‌تر می‌یابی که گویند: ما نصاری (یاران خدا) هستیم. زیرا برخی از آنان کشیش و راهب‌اند و (مهم‌تر این که) تکبر نمی‌ورزند.

«...وَلَنَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَسِيصِينَ وَرُهَبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ»

## امداد دنیاطلبان و توفیق دادنشان به اهداف دنیایی

هود ۱۵ - هر که همواره خواستار زندگی دنیا و زینت‌های آن باشد، (چنین کسانی، نتیجه) اعمال‌شان را در همین دنیا به طور کامل به آنها می‌دهیم (مانع پیشرفت‌شان در مسیر مادی که برگزیده‌اند نمی‌شویم) و در دنیا حق‌شان (محصول تلاش‌شان) کاسته نمی‌گردد.

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نَوْفَ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ»

اسراء ۱۸ - هر که همواره شتابان (زندگی زودگذر دنیا) را بخواهد، ما نیز برای او آنچه خواهیم، برای آنکه اراده کنیم (طبق مشیت و نظامات خود)، شتاب می‌کنیم، سپس دوزخ را (در بازتاب اسیر شدن به دنیا) برای او قرار می‌دهیم که نکو هیبه و طرد شده به آن درآید.

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ...»

شوری ۲۰ - هر که همواره کشت آخرت خواهد، کشتش افزون سازیم (برکت دهیم) و هر که همواره کشت دنیا خواهد، از آن به او می‌دهیم و در آخرت نصیبی او را نیست.

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ»

آل عمران ۱۴۵ - هر که خواهان بهره (نتیجه و محصول) دنیا باشد (و برای آن بکوشد) از آن به او می‌دهیم، و هر که بهره آخرت خواهد، به او (نیز) از آن می‌دهیم و به زودی (در آخرت) شاکران را پاداش می‌بخشیم.

«...وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَجْزِي الشَّاكِرِينَ»

جاثیه ۳۳ - و اگر نبود که (در صورت فراگیری جلوه‌های مادی) همه مردم همسو می‌شدند، بی گمان برای کسانی که منکر خدای رحمانند، خانه‌هایی با سقف‌های از نقره و پلکانی که (در طبقات مختلف) بر آن بالا روند، قرار می‌دادیم. و (همچنین) برای خانه‌هایشان درهایی (اطاقهایی متعدد) و تختهایی (مبلمانی) که بر آن تکیه زنند و (علاوی بر آن، دکوراسیون) و تزئیناتی! ولی همه اینها جز بر خورداری دنیایی نیست و آخرت نزد پروردگارت ویژه پرهیزکاران است.

«وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُفُفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ. وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُورًا عَلَيْهَا يُتَبَكَّرُونَ. وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ»

## آزادی انتخاب یا تغییر دین، و فقدان حکم ارتداد و الحاد و سنگسار

احکام مربوط به قتل مرتد یا ملحد مطلقاً جایگاه قرآنی ندارد و مستند به روایات بی‌پایه دوران خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس می‌باشد. با وجود آنکه مفهوم ارتداد در قرآن جنبه عملی یعنی پیوستن به جبهه دشمنان دارد و نه جنبه نظری و عقیدتی، با این حال نه تنها هیچ کیفر دنیایی برای آنان ذکر نکرده، بلکه آزاد گذاشتن آنان را توصیه کرده است.<sup>(۷)</sup>

حکم سنگسار نیز بر ساخته متولیان مصلحت اندیش مذهبی در قرون گذشته بوده و مبتنی به روایات مغایر با قرآن و رسوم حکومت‌های ستمگر علیه پیامبران و مومنین بوده می‌باشد.<sup>(۷)</sup>

## حسن روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای غیر مسلمان و نیکی به آنان.

ممتحنه ۸ و ۹ - خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزی به کسانی که در دین با شما جنگیده و شما را از دیارتان آواره نکرده‌اند نهی نمی‌کند، مسلماً خدا عدالت‌گران را دوست دارد. بلکه تنها از دوستی سلطه آور با کسانی که در دین با شما جنگیدند و از اخراج و آواره کردنشان پشتیبانی کردند نهی می‌کند، و هر کس به ولایت سلطه‌آور آنان درآید، چنین کسانی ستمگرند.

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ . أَمَّا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»

- ۱ - نبأ ۳۷-... رب (گرداننده) آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آندو، همان «الرَّحْمَنُ» است. (... رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ). انبیاء ۱۱۲- (... رَبِّ مَا، رَحْمَنٌ مَّرْجِعُ يَأْتِيهِ الرُّسُلُ وَرَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مُدَبِّرٌ لِّمَا شَاءَ وَرَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَسَأَلُ بِهِ خَبِيرًا). طه ۹۰ - مسلماً رب شما همان «الرَّحْمَنُ» است. (وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ...).
- طه ۵ - این رحمن است که بر عرش- نظام مدیریتی جهان- استیلا دارد. (الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى). فرقان ۵۹ - همان- خدایی- که آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آندوست را در شش دوران آفرید، سپس براداره‌اش پرداخت؛ همان الرَّحْمَنُ! پس از او، که از همه چیز خبر دارد، بخواه. (الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا).
- ۲ - انبیاء ۱۰۷- ما تو را جز (به عنوان) رحمتی برای جهانیان نفرستادیم: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ. آل عمران ۱۵۹- پس به خاطر رحمت و ویژه خدایی بود که تو بر آنها چنان نرم شدی و اگر خشن و بد زبان بودی از پیرامونت پراکنده می‌شدند. (فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَطْرًا غَلِيظًا لَّفَنَفِضُوا مِنْ حَوْلِكَ...).
- توبه ۱۲۸- همانا رسولی از خودت (برای هدایت شما) آمده که (تحمّل) رنج‌های شما بر او گران می‌آید (درد مردمی دارد)، بر (هدایت) شما حریص و بر مؤمنان رئوف و رحیم است. (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ).
- ۳ - فصلت ۲- قرآن نازل شده از سوره رحمن رحیم است. (تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ). الرحمن ۱- رحمن قرآن را آموخت. (الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ...).
- شعراء ۵- پیامی از رحمان بر آنها نیامد، مگر از آن روی گردانند. (وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثًا إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ).
- ۴ - حشر ۲۲ و ۲۳- او خدایی است که معبودی جز او نیست، همان دانای نمان و آشکار، اوست رحمت گستر بر عام و خاص. او معبود یکتایی است که معبودی جز او نیست، همان پادشاه مطلقاً پاک، کانون سلامت و امنیت، محافظت کننده و جبران کننده بزرگی جوی ( برترین ترمیم کننده شکست‌ها)، منزله است خدا از آنچه شرک می‌ورزند (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ).
- مومنون ۱۱۶- پس برتر است آن خدای پادشاه برحق که معبودی غیر او که گرداننده نظام حکومتی کریمانه است وجود ندارد. (فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ).
- جمعه ۱- برای خدا هر آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح می‌کنند، همان پادشاه بی نهایت پاک ابرقدرت فرزانه. (يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ).
- ۵ - (مریم ۸۷، طه ۱۰۹، انبیاء ۲۶ تا ۲۸، یاسین ۲۳، زخرف ۱۹).
- ۶ - در مورد الحاد و ارتداد رجوع کنید به: اعراف ۱۸۰، فصلت ۴۰، مائده ۴۵، بقره ۲۱۷، نساء ۱۳۷ و آل عمران ۹۱.
- ۷ - رک به: هود ۹۱، کهف ۲۰، مریم ۴۶، شعراء ۱۱۶، یس ۱۸ و دخان ۲۰.